



فصل نامه تخصصی کتابخانه بزرگ
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته
سال بیست و ششم | شماره ۱۰۰ | تابستان ۱۳۹۹

منبعی مهم درباره سلجوقیان روم و دبیرخانه فارسی آن‌ها نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، شماره ۱۱۱۳۶

داوید دوران گدی *

چکیده

مقاله حاضر به یک نسخه خطی از مجموعه منشآت می پردازد که در آناتولی روزگار مغول فراهم آمده و اکنون در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قرار دارد. این نسخه خطی از چند بخش تشکیل شده که به قلم کاتبان مختلفی در طول دوره ای بیش از هفت دهه کتابت شده اند. با بیش از دویست نامه به فارسی که یا به دیوانیان دربار سلجوقی روم در سده هفتم هجری ارسال شده اند و یا این دیوانیان آنها را ارسال کرده اند، نسخه مورد بحث ما، حجم اسناد موجود برای درک تاریخ سیاسی آناتولی روزگار مغولی و همچنین چگونگی ادغام آن در جهان فارسی زبان را به میزان قابل توجهی گسترش می دهد.

کلیدواژه ها

کتابخانه آیت الله مرعشی - مجموعه خطی شماره ۱۱۱۳۶؛ سلجوقیان روم - اسناد تاریخی؛ اسناد تاریخی - قرن هفتم؛ رابطه ایران و روم - قرن هفتم؛ اسناد دیوانی و خصوصی؛ نخجوانی، حسین - نسخه های خطی.



مقدمه^۱

کتابخانه آیت‌الله مرعشی، نسخه خطی ارزشمندی از منشآت در اختیار دارد که تاکنون به تنهایی مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته و اهمیت آن کاملاً ناشناخته مانده است.^۱ این نسخه پیش‌تر متعلق به حاج حسین نخجوانی، کتابشناس تبریزی بوده است. در سال‌های ۱۳۱۵ ش و ۱۳۳۱ ش، نخجوانی در دو مقاله کوتاه، دو سند مندرج در آن را تصحیح و منتشر کرد. نخست، نامه‌ای از خوارزمشاه تکش به صلاح الدین ایوبی^۲ و دیگری، اندرزنامه‌ای حاوی نامه اسکندر به معلمش ارسطو، که در آن از وی درخواست پند و اندرز می‌کند و پاسخ تفصیلی ارسطو به اوست.^۳ این دو سند از کهن‌ترین اسناد این مجموعه‌اند و به‌ویژه برای ایرانیان و ایران‌شناسان دارای اهمیت بسیار هستند، حتی ممکن است این اندرزنامه از کهن‌ترین نمونه‌های نثر فارسی باشد.^۴ اگرچه شاید انتشار این دو سند، برداشتی نادرست درباره این مجموعه به‌وجود آورده باشد. زیرا نخجوانی در این دو یادداشت، تنها از "یک جنگ خطی قدیمی" یاد می‌کند و عملاً ویژگی اصلی این منشآت را نادیده می‌گیرد؛ چرا که تقریباً همه اسناد این نسخه به دبیرخانه سلجوقیان روم در سده ۷ ق مربوط است.

عنوان این نسخه در فهرست نسخه‌های خطی تألیف محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار ذکر شده، اما به دلایل زیر اهمیت آن به درستی نشان داده نشده است.^۵ نخست این‌که تنها فهرست گزیده و کوتاه ۱۶ سند آورده شده، که بخش کوچکی از کل اسناد این منشآت است (من ۲۴۷ سند را شمرده‌ام). دوم آن‌که در این فهرست گزیده، اولویت به اسنادی داده شده که به ایران یا ایرانیان مرتبط است، مانند خوارزمشاهیان، شمس الدین اصفهانی وزیر، عماد الدین اصفهانی

۱ از عماد الدین شیخ الحکمایی بسیار سپاسگزارم که این نسخه را به من معرفی کرد و تصویر آن را در اختیارم قرار داد. فرصتی برای مطالعه آن طی اقامت در مرکز مطالعات نسخ خطی (Centre for the Study of Manuscript Cultures) هامبورگ در نیمه دوم سال ۱۳۹۸ داشتم. همچنین از خانم زینب پیری بابت ترجمه مقاله از انگلیسی به فارسی و نیز محمد کریمی اصل زنجانی تشکر می‌کنم.

۲ نخجوانی، ۱۳۱۵ ش.

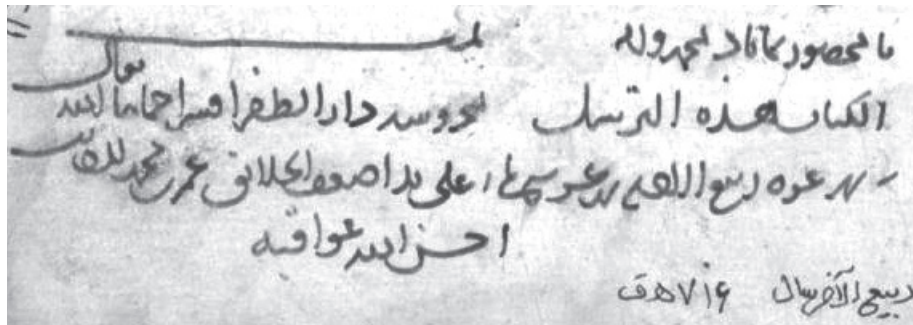
۳ نخجوانی، ۱۳۳۱ ش. هیچ‌یک از این دو متن در مجموعه مقالات نخجوانی، منتشر شده در سال ۱۳۹۲ ش. بازچاپ نشده است.

۴ نک فوشکور، ۷۵ (ترجمه ۸۹)

۵ دانش‌پژوه و افشار، نسخه‌های خطی، ۴: ۳-۳۴۲. نیز:

<http://www.aghabozorg.ir/showbookdetail.aspx?bookid=19307>

کاتب، یا اسنادی که نام شهرهای ایران در آن آمده است. آخر آن که مؤلفان فهرست، تنها به ذکر نام خلیفه المستنصر (درگذشته ۶۴۰ ق) در دیباچه و تاریخ ۷۱۶ ق در یک انجامه اشاره کرده‌اند، که برای فهمیدن پیدایش ظاهراً پیچیده نسخه به ما کمک نمی‌کند (شکل ۱).



شکل ۱ - انجامه (برگ ۱۱ع)

در خارج از ایران، ظاهراً تنها هریرت هورست، در پژوهش خود درباره سازمان اداری سلجوقیان بزرگ و خوارزمشاهیان، به این نسخه خطی اشاره کرده است. این مورخ آلمانی در سفر به ایران در اواخر دهه سی شمسی، این نسخه را دیده و آن را جزو یازده مجموعه منشآتیی فهرست کرده است، که می‌تواند به عنوان منبع مورد استفاده قرار گیرد. اما از آنجا که تمرکز وی بر حکومت‌های مستقر در ایران بود، عمدتاً به کارهای معروف منتجب الدین جوینی، رشید الدین و طواط، بهاء الدین بغدادی و میهنی توجه کرده است.^۱ در مقابل، از مجموعه نخجوانی که «عمدتاً حاوی نامه‌های حاکمان سلجوقیان روم بود»، تقریباً هیچ استفاده‌ای نکرده است.^۲

۱ منتجب الدین جوینی در دربار سنجر (درگذشته ۵۵۲ ق) کار می‌کرد؛ رشیدالدین و طواط در دربار آتسز خوارزمشاه (درگذشته ۵۵۱ ق) و پسرش ایل ارسلان (درگذشته ۵۶۷ ق)؛ بهاءالدین بغدادی در دربار خوارزمشاه نکش (درگذشته ۵۹۶ ق)؛ و میهنی، دستور دبیری را در سال ۵۸۵ ق تألیف کرد. در زمان هورست، المختارات من الرسائل که بیشتر اسناد آن به ایران غربی در قرن ششم بر می‌گردد، هنوز شناخته شده نبود. درباره آن ر.ک. به مدخل «enshā» نوشته یورگن پول در ایرانیکا.

۲ هورست ۱۹۶۴: ۱۲ (عنوان شماره ۱۲). بخش دوم کتاب هورست شامل ۱۱۹ متن مندرج در آن یازده مجموعه منشآتیی است که تنها یکی از متن‌ها از نسخه نخجوانی آورده شده است. نک: هورست ۱۹۶۴: ۱۰۱ (سند B2، با



حسین نخجوانی در سال ۱۳۵۲ ش درگذشت و این نسخه با شماره ۱۱۱۳۶ در تاریخ نامعلومی (اما پیش از ۱۳۷۶ ش) وارد کتابخانه آیت الله مرعشی شده است.^۱ نگارنده بر آن است تا برای نخستین بار این اثر را از دیدگاه نسخه‌شناسی و تاریخی بررسی کند و فرضیه‌هایی درباره تاریخ پیدایش و تألیف آن ارائه دهد.

نسخه شناسی

این نسخه به طور کلی در شرایط خوبی است؛^۲ اما ردی از رطوبت، بیشتر در حواشی نسخه دیده می‌شود. هرچند این موضوع خواندن نسخه را، جز در مواردی که با جوهر کمرنگ‌تری در حاشیه نوشته شده، دشوار نمی‌کند. نسخه دارای ۱۲۹ برگ به ابعاد ۱۵/۵ در ۲۲/۵ سانتیمتر است و هر صفحه ۲۱ سطر دارد. شماره برگ در قسمت بالای صفحات سمت چپ نوشته شده است. شماره‌گذاری پیشین صفحه به صفحه (نه برگ شمار) هنوز در دو برگ قابل رؤیت است؛^۳ که این شماره‌ها ظاهراً پس از ورود به کتابخانه مرعشی پاک شده‌اند.

نسخه، عنوان مشخصی ندارد. هورست طبق عنوان فرعی اول (به رنگ قرمز) در ابتدای نسخه (برگ ۱ پ)، عنوان قصه سلاطین را بر نسخه گذاشت، اما کتابدار کتابخانه مرعشی عنوان مناسب‌تر نامه سلاطین یعنی دومین عنوان فرعی را انتخاب کرده است.^۴

این نسخه با مدح خلیفه المستنصر (درگذشته ۶۴۰ ق) به زبان عربی، سپس ستایش حاکمی ناشناخته ("خدایگان عالم، پادشاه بنی آدم و غیره") به زبان فارسی شروع می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين؛ سلام الله تعالى على المواقف المعظمة المقدسة الممجدة المكرمة المطهرة النبوية الإمامية، أمير المؤمنين و إمام المسلمين و خليفة رب العالمين، المستنصر بأمر الله أمير المؤمنين و برکاته الساميات و تحيته التاميات، و العبد بحمد

ارجاع به صفحه ۱۸).

۱ نک: نوشته سید محمود مرعشی نجفی به تاریخ ۱۳۷۶/۰۴/۱۸، برگ ۱۱۶ رو.

۲ یک برگ از نسخه (برگ ۶۶) به نظر می‌رسد به مراقبت بیشتری نیاز داشته و دو تکه کاغذ قهوه‌ای بر کلماتی از وسط آن چسبانده شده است.

۳ نک: برگ ۶۹ پ با شماره صفحه ۱۳۷ و برگ ۷۰ ر، ص. ۱۳۸. هورست که نسخه را نزد نخجوانی دیده است، به این روش شماره‌گذاری قدیمی‌تر ارجاع می‌دهد.

۴ نک: برچسب شناسنامه کتابخانه مرعشی در ابتدای نسخه.

بلینغ کمال نظام یابد سده سرفراز کورد املست که سوانخ او امر
 و نواهی سده کما علی التواتر و التواتر شریفه فریاد از همه سعادت
 دو جهان در قبضه ارادت سلطان عالم اید الله دولته باذبح و الم
 نامه سلطان علا الدین محمد صاحب سیم حضرت سلطان عز الدین
 والذین خلد الله دولتهما
 الهجاب بارگاه باذ شاه جهان خسرو زمین و زمان فرمان قوی ربع
 مسکون سلطان السلاطین الشرق والغرب خلد الله سلطان و الشرف

۱

از فقر و محروم و عاجز و حاضر مانی بازی جلت و لذت لوتق بقبول
 باسطة کرم بسطه الله عطاهاها فی مساق المروض و معارهاها
 کردان اما اگر سده قصه نواب ام بوضحات قراطیس اعلام دهد
 بما با که کرد ملال بوضاطردی الخلال فشیئک ان عاب در جمله
 حجاب اولی درس حال خلاصه ان عبودت انفس لا حاصل سده کی
 فلان جامعه ولی الدین و انوار عالمه اناب جلال جمال بوضلال
 امیر خضر بخر سو کبر عالم عادل موبد شید مظفر مودر منصور د

ب

اهل الله سما مولانا القصدرا الذی اسمی المصدره سعه المصدر و طاف
 الرانا نعلو للعدرا العالم للمفاصل العظم لا اهل الله المشفق علی جاول الله
 سله الله حاره و له مع عر ذکر الله اعدل للمصاه افضال الکلام باحی
 والذین لم یزال موجهات باح البصره و العس من کلیة قبول
 رب العالمین سالی لا ارمودا حک لله و البعض لله اسنداء
 علی اللبنا و رجاء بینهم سکینه است که بر مرده نشود و ساینده
 می آید و از سندی بر بارت قاستفادت فوائد عبره روز بروز است

ج

شکل ۲ - خط شناسی (الف: برگ ۵۳ پ؛ ب: برگ ۴۹؛ ج: برگ ۷۰۱ پ)





اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَالِكُ الْأُمُورِ وَمَصْرَفُ الْمَقْدُورِ، وَ أَسْأَلُهُ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ نَبِيِّهِ الْأَمِينِ وَ صَفِيِّهِ الْمَكِينِ، بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مَفَاتِيحَ الْجَنَّةِ وَ مَصَابِيحَ الدَّجِيَّةِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَبِيرًا دَائِمًا كَثِيرًا. قِصَّةُ سُلَاطِينِ ظَلَّ أَجْنَحَهُ هَمَاءُ سَعَادَتِ بَرِّ فَرَقِ دَوْلَتِ خَذَايْكَانِ عَالَمِ پَادِشَاهِ بَنِي آدَمِ خَلَّدَ اللَّهُ ملكه مبسوط باد، و اقالیم زمین و افانین دین بوجودش و در دایره عدلش متین و مبین بمحمد و آله. (برگ ۱پ، سطرهای ۱-۹)

المستنصر، خلیفه ماقبل آخر عباسی و بنیان‌گذار معروف مدرسه مستنصریه در بغداد، معاصر با خوارزمشاه جلال‌الدین منگوبرتی (درگذشته ۶۲۸ ق) بود. امپراتوری سلاجقه روم در دوره خلافت وی در اوج قدرت بود، و مناطقی را تا ارزروم در شرق، سوداک در شبه جزیره کریمه در شمال، زیر نفوذ داشتند. المستنصر در سال ۶۴۱ ق، یعنی یک سال پیش از شکست سلاجقه روم از مغولان در جنگ کوسه داغ، درگذشت.^۱ انجنامه‌ای در برگ ۱۱۶ر (شکل ۱)، یعنی ۲۷ صفحه پیش از پایان نسخه، به شرح زیر نوشته است:

تَمَّتِ الْكِتَابُ [كذا] هَذِهِ التَّرْسُلُ بِمَحْرُوسَةِ دَارِ الظُّفْرِ آقْسَرَا حَمَاهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي شَهْرِ (؟) غَرَّةِ ربيع الآخر سنة ست عشر سبع مائة [۷۱۶] على يد أضعف الخلائق، عمر بن محمد الكاتب؛ أحسن الله عواقبه.

در دوره تسلط مغول شهر آقسرائی مذکور در این انجنامه، نقش سیاسی مهمی هم داشت. اما در ۷۱۶ ق، بیش از یک دهه از پایان سلسله سلاجقه روم می‌گذشت. ایلخان اولجایتو برای چند ماه دیگر هنوز زنده بود، اما اوضاع سیاسی در آناتولی به خاطر جاه‌طلبی‌های بسیار خان‌های مغول، ترکمن‌ها، فرزندان معین‌الدین پروانه و "اخ‌ها" (شبییه فتیان یا احداث که در شهرهای ایران زمین فعال بودند) ناپایدار بود.^۳

۱ این خلیفه به المستنصر بالله شناخته شده است و با خلیفه فاطمی المستنصر بامر الله، سده پنجم فرق می‌کند. هرچند، در این نسخه نیز المستنصر بامرالله نوشته شده که غیرمعمول نیست. همانطور که با سکه ضرب ابوبی در ۶۳۱ق. ثابت می‌شود؛ نک: Marsden 1823, p. 234, no. 243.

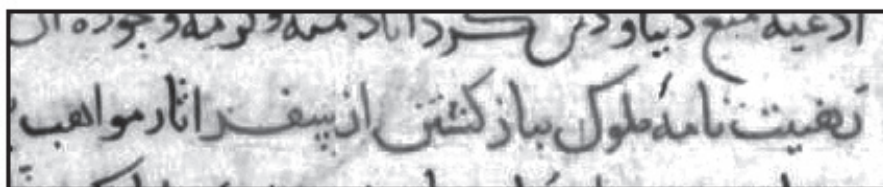
۲ دو کلمه پیش از تاریخ خوانا نیست. شاید کاتب، «غره شهر» را سهواً «شهر غره» نوشته باشد. در این صورت کلمه پیش از آن می‌تواند «فی» باشد.

۳ ر.ک: مدخل‌های «آقسرائی» «چوپانیان» در دانشنامه اسلام و نیز فصل مربوط به آن دوره در تحقیق مرجع کلود کاهن، عثمان توران و (برای وقایع بعد از ۶۴۱ق) چارلز ملویل. E12 (Pancaroglu), "Aksaray", E13

طبق شناسه کتابدار کتابخانه مرعشی، کتاب نامه سلاطین، پس از این انجامه (یعنی برگ ۱۱۶ر) پایان می‌یابد و ۲۷ صفحه بعدی را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. وقتی ما به خط، ساختار نسخه و محتوای اسناد نگاه می‌کنیم، چنین انقطاعی مشخص نیست.

تا آنجا که به خط شناسی مربوط است، موارد زیر را می‌توان تشخیص داد:

۱) از برگ ۱پ تا ۹۱ر (آن را بخش الف می‌نامم)، متن نسخه به خط نسخ ظریف با جوهر قهوه‌ای تیره است. متن با دقت زیاد درون یک قاب مستطیل شکل نامرئی و با مسطر اندازی نوشته شده است. (شکل ۲، الف) عناوین فرعی شنگرف هستند. آخرین عنوان فرعی به شنگرف مربوط به اندرزنامه در برگ ۹۰پ است. هنگام نقل شعر، مصرع‌ها فاصله منظمی از یکدیگر دارند.^۱ کاتب حتی برای جلوگیری از اشتباه در خوانش، علامت‌های ویژه‌ای را اضافه کرده است؛ مانند برگ ۱۳ر^۲ (شکل ۳). اینجا علامت سه نقطه نشان می‌دهد که کلمه پس از «بازگشتن از» یک نام جای نیست، بلکه کلمه «سفر» است.^۳ دو برگ آخر (برگ ۹۱پ تا ۹۲پ) از بخش الف، با همان دست خط، اما عجولانه‌تر نوشته شده است و گاهی از قاب بیرون می‌زند.



شکل ۳ - علامت سه نقطه برای جلوگیری از اشتباه در خوانش انجامه (برگ ۳۱ر)

195-192: Cahen 1988; (Savory); "Cūbānids" (در باره قرن هفتم و هشتم، متن فرانسه از متن انگلیسی که بیست سال قبل به چاپ رسیده بود دقیق‌تر و مفصل‌تر است); Turan 1971; Melville 2009, 86-92.

۱ آیات قرآنی و بیت‌ها در برگ‌های ۲۱ر تا ۲۳ر به رنگ قرمز نوشته شده‌اند، اما این مورد را قبل یا بعد این برگ‌ها نمی‌بینیم، گویا کاتب قصد نوآوری داشته و خیلی زود منصرف شده است.

۲ شکل ۳.

۳ درباره استفاده از سه نقطه به عنوان وجه تمایز خوشنویسی خراسانی، ر.ک: افشار، ۱۳۸۰ ش.



۲) از برگ ۹۴ ر تا ۱۰۷ پ (بخش ب)، دست خط کاملاً متفاوت است، مانند نوشتن «دال» و «ها» در آغاز و پایان یک کلمه (شکل ۴). همچنین، گاهی «الف» به حرف بعدی متصل می‌شود، مانند کلمه «سعادت»، که اصلاً در بخش الف چنین نیست. نوشته عجولانه‌تر است. عنوان‌های فرعی شنگرف نیستند، بلکه ضخیم‌تر و با جوهر سیاه نوشته شده‌اند.

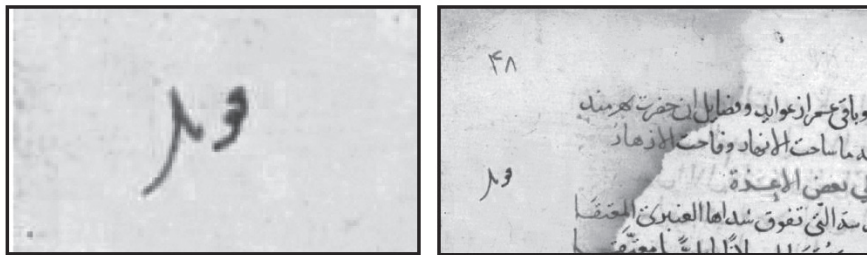


شکل ۴ - تفاوت بین دستخط الف و ب «سعادت» راست: برگ ۹۸ ر، چپ: برگ ۴۹ پ؛ «ظهير الدوله» راست: برگ ۵ ر، چپ: برگ ۴۹ پ؛ «مبلغ هاپون» راست برگ ۶ ر، چپ: برگ ۴۹ ر

۳) از برگ ۱۰۷ پ تا پایان نسخه (بخش ج)، کاتب از قلم و جوهری استفاده کرده که در «بخش ب» برای نوشتن عناوین فرعی از آنها استفاده کرده است. از این رو خط، سیاه رنگ و ضخیم‌تر است، به جز برگ‌های ۱۲۲ پ تا ۱۲۳ پ یعنی «دعوات مُسبِحان» که با جوهر کم‌رنگ‌تر نوشته شده‌اند. متن در سمت راست تراز نشده است. به نظر می‌رسد اشعار صفحه اول نسخه خطی (برگ ۱ ر) به همان دستخط نوشته شده است.^۱

۱ دستخط‌های دیگر قابل رؤیت است، اما کاملاً واضح است که مربوط به دوره‌های بعد هستند. مثلاً فضای خالی در انتهای بخش الف، پر از وفات‌نامه است، پس از آن اشعار با جوهر روشن‌تر نوشته شده‌اند. اولین وفات‌نامه مورخ ۱۰۰۷ ق و دومین، مورخ ۷۸۸ ق است. آخرین ضمیمه هم شامل شعری به خط نستعلیق (برگ ۱۲۸ ر) و دست‌نوشته‌هایی درهم ریخته در آستر بدرقه است.

تکرار کلمه «قوبل» در حاشیه سمت چپ نشان می‌دهد که متن مقابله شده است (شکل ۵). در فرآیند این تطبیق، کلماتی در حواشی نوشته شده‌اند تا اشتباهات یا حذفیات متن را اصلاح کنند. چنین تصحیح‌هایی تا آخرین برگ ۱۲۷ پ دیده می‌شود، اما «قوبل» در برگ‌های بعد از ۱۲۷ پ نوشته نشده است.^۱



شکل ۵ - کلمه «قوبل» در حاشیه نشان دهنده روند مقابله شدن متن (برگ ۸۴ ر)

اثر یک مهر سیاه رنگ در صفحات بسیاری از نسخه دیده می‌شود، که غالباً در کنار سطر نخست و بیشتر در صفحات سمت چپ دیده می‌شود. به صورت جدی تلاش شده است تا اثر این مهر از همه صفحات نسخه پاک شود. اما اندک آثار بازمانده نشان می‌دهد این مهر بیضی شکل با دو خط در حاشیه و به خط نستعلیق و احتمالاً حاوی دو یا سه کلمه بوده است. این مهر می‌تواند نشانی از مالک پیشین نسخه باشد و شناسایی و بازخوانی می‌تواند به شناخت بخشی از سرگذشت نسخه کمک کند. امیدواریم با بررسی و تصویر برداری جزئی از اصل نسخه، این امکان فراهم گردد.

در نتیجه، این نسخه نمونه‌ای خوب از یک نسخه دیوانی به سبک ایرانی است. بسیاری از «دال»ها از جمله در «باد» به صورت «ذال» نوشته شده‌اند، که از ویژگی‌های رایج کتابت پیش از دوره مغول ایران است.^۲ این اثر زیباتر و نفیس‌تر از دو نسخه خطی، حاوی مطالب سیاسی درباره سلاجقه روم است، که عثمان توران در سال ۱۹۵۸ م (۱۳۳۶ ش) آن‌ها را تصحیح کرده است: نسخه برلین (Staatsbibliothek zu berlin)، دستنویس شماره

۱ نمی‌توانم دقیقاً بگویم که عنوان فرعی پاک شده یا تصحیح شده، مربوط به روند ویرایش است (مثلاً در برگ ۲۸ ر، عنوان فرعی پاک شده و به جای آن «ایضاً» جایگزین شده؛ برگ ۲۸ پ، جای عنوان خالی است).

۲ نک: مقدمه اقبال بر تصحیحش از راحة الصدور.

Mr Or. 3173، که حاوی فرامین است و نسخه پاریس، دستنویس شماره BN Suppl. Persan 1353 که شامل مکاتبات دیوانی است. (شکل ۶)

اینک به ساختار مطالب تألیف شده می‌پردازیم.

ساختار داخلی

این نسخه خطی مجموعه‌ای از اسناد دیوانی (سلطانیات) و خصوصی (اخوانیات)، را در برمی‌گیرد. هر سند این مجموعه معمولاً بیش از دو صفحه نیست؛ و البته می‌تواند، مانند سند درباره القاب، یا نامه‌ای کوتاه (مُلَطَفَه یا زُقَعَه) بسیار کوتاه‌تر هم باشد. اسناد طولانی‌تر کم هستند؛ بلندترین اسناد شامل تهنیت نامه ارسالی از خوارزمشاه به صلاح الدین ایوبی بابت فتح قدس (برگ ۱۱ تا ۱۳)، یک فتح‌نامه (برگ ۱۲۵ تا ۱۲۷ پ)، و اندرزنامه مذکور (برگ ۹۰ تا ۹۲ پ)، چهار صفحه هستند.

این مجموعه فهرست مطالب ندارد؛ با این حال، نتیجه مطالعه اولیه نگارنده، شناسایی ۲۴۷ سند است. این مقاله مقدماتی، جای پاسخ به این پرسش پیچیده که، چگونه متون متفاوت در یک مجموعه از هم تشخیص داده می‌شوند نیست. همچنین در این مقاله امکان ارائه فهرست تفصیلی هم نیست، بنابراین نگارنده خود را به ارائه یک معرفی کلی و فرضیه‌هائی که تا امروزه دست آورده، محدود کرده است.

بیشتر این متون با یک عنوان فرعی معرفی شده‌اند، که تا حدی قابل تشخیص هستند، به عنوان مثال، این عناوین در بخش الف به رنگ شنگرف هستند؛ در بخش ب و در قسمت‌های زیادی از بخش ج ضخیم‌تر و بزرگ‌تر نوشته شده‌اند. اما موارد متعددی در پایان بخش ج، به‌ویژه در اشعار، دو نامه اسنکدر و ارسطو در اندرزنامه با یک عنوان فرعی مشخص نشده‌اند. ساختار متن که در همه ۳۱ برگ نخست نسخه واضح است، به این شکل است:

۱) با بخشی درباره خطاب و القاب آغاز می‌شود (برگ ۲ تا ۱۱). هدف این است که برای انتخاب صحیح کلمات، با توجه به درجه و کار مخاطب نامه، به کاتب کمک کند. در

۱ این تعداد شامل ضمیمه‌هایی که پس از پایان نسخه به آن اضافه شده‌اند (مثلاً وفات‌نامه‌های برگ ۹۲ پ)، همینطور شعر صفحه اول نمی‌شود.

بقار من المناصب

صورت مشهور وزارت

جون معماران اقتدار افندي که جل جلاله جناب الحق وجود ابد عالم
 کوز و فساد را بنیاد عمارت نهاد و نزهت حاء، هو الذی خلق کل ما فی
 الارض جمیعاً، را معمور کرد و نعمت سرا، و الارض و صنعها للانام فیها
 والفلاخ ان الاحکام، را بنیاد نهاد و از اول هبوط ابوالبشر آدم صلی
 صلوات الرحمن علیه مقالید امر و نهی و مفاخیر حل و عقد انرا بر قبضه کرد
 اشار نهادند بر قضیبت، ان الارض بر تمام ایشان عباد و العاقبة للمتقین
 در هر قرنی جهان داری در هر دوری تا جبراری حمت نظام کار عالم و قوام
 امور بنی آدم و ترویج کسب و اصلاح فاسد اظهار می فرمودند و از خزانة
 یخسب بر حمت من بیاید، افشاهی بر فرق ایشان می نهاد تا ان عهد
 و عصر فرجده که زمره کربسان قدرت ملکوت در سلک روحانیان عزت
 حبروت از بارگاه لم یزل و لا یرال بزبان العظمة ازاری و الکبریا
 ردای بشارت ظهور دولت و زاریون بلائها روی زمره خلد الله
 ملکه که تا ابد باید اربلا و بولولع و استمرار مسامح جهانیا را مقسط
 و مستغنی گردانیدند و بر وفی خوای جدیدت بنوی صلوات الرحمن علیه
 ان الله یبعث هذه الامم فی راس کل مایة سنة من یجد دلها
 دینها، براعلاء کلمة حق و تمهید قواعد اسلام و تشدید مبانی دین
 احمدی و تقویت صل و سنت و اهانب ارباب ضلالت و اطاعت الخ
 جناب علی مصروف و مولانا و سایه عدل کستران سایه برود

غازان

میرزا شهاب
 فصلنامه تخصصی کتابخانه‌های و نسخه‌شناسی
 سال بیست و ششم شماره ۱۰۰۰ تابستان ۱۳۹۹

شکل ۶ - منشآت دیگر نوشته آناتولی دوره سلجوقی (نسخه پاریس برگ ۸۱ا)

کل ۴۱ مورد معرفی شده است: اول صاحب‌منصبان دربار سلاجقه روم و سپس غیر مسلمانان (خان مغول، پادشاه گرجستان، کشیش کلیسای ارمنی). متن‌ها بسیار کوتاه (حدود ۱۵ سطر) هستند، زیرا تنها شامل عناوین، القاب، سلام و تحیت می‌شوند.

۲) بخش بعدی، شامل نمونه نامه‌های موضوعی هستند: ۳۱ مورد (برگ ۱۱ تا ۲۸ پ). اولین گروه که بیشترین سندها را در بر می‌گیرد، مربوط است. به تهنیت‌نامه‌ها به مناسبت پیروزی نظامی، گماشتن به منصب، تولد فرزند (نام‌گذاری)، سالم بازگشتن از سفر (قدوم سفر)، یا بهبود یافتن از بیماری. بقیه موضوعات تعزیت‌نامه، عتاب‌نامه، اشتیاق‌نامه، دعوت به عروسی، نامه آرزومندی، محضرنامه بر صلاح و فساد، عرض داشت حال خود، نامه‌های پارسی محض (سره)، و در نهایت سوگندنامه هستند. پنج مورد از این نامه‌ها با پاسخ‌هایشان آمده‌اند.

۳) بخش بعدی به القاب سلاطین سلاجقه اختصاص دارد: ۸ مورد (برگ ۲۸ تا ۳۱ ر) اما از برگ ۳۱ به بعد، ساختار واضحی را نمی‌توان تشخیص داد و از مجموعه‌ای گوناگون از انواع مختلف متون، که بیشتر نامه‌های شاهان یا صاحب‌منصبان بلندمرتبه (مثل اتابک، طغریایی، امیر بزرگ ...) است، تشکیل شده است. این نامه‌ها با عنوان «سلطانیات» شناخته شده‌اند و اینجا با موارد زیر در هم آمیخته‌اند:

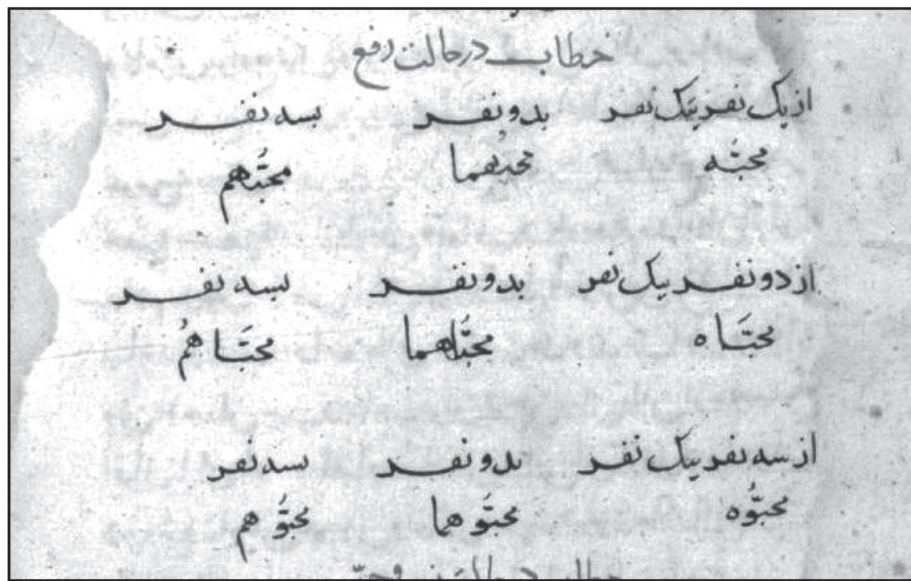
- نامه‌های خصوصی (اخوانیات) (به طور مثال برگ ۴۳ پ تا ۵۰ پ، ۷۳ پ تا ۹۰ پ، ...)، مانند نامه‌های ارسالی در غم فراق قونیه (برگ ۴۳ پ تا ۴۴ ر)؛ شفاعت‌نامه (برگ ۸۰ پ تا ۸۱ پ)؛ یا فقط یک «عرض وصف حال» (برگ ۱۰۵ ر و پ)، موضوعی که قبلاً در برگ ۲۵ پ، در بخش نمونه نامه‌های موضوعی به آن اشاره شده است.

- نامه‌هایی با قالبی خاص: رقعه (برگ ۳۹ تا ۳۹ پ: ۶ مورد)، مفاوضه (برگ ۱۰۶ پ تا ۱۰۹ پ: ۱۶ مورد) و ملطفه (برگ ۱۰۹ پ تا ۱۱۰ ر: ۱۲ مورد).

- جدول راهنمای دستوری (غیر مشبک): ۳ مورد (برگ ۳۹ پ تا ۴۰ ر). هدف، کمک به کاتب برای انتخاب شکل درست عربی طبق تعداد افراد مرتبط است. (شکل ۷)



- اندرزنامه که شامل نامه اسکندر به ارسطو و پاسخ آن می‌شود (برگ ۹۰ پ تا ۹۲ پ). ارسطو توضیح می‌دهد که زندگی انسان، مانند صحنه‌ای ۲۴ ساعته است که طی آن ۲۴ کلمه را باید دنبال کرد. اما متن نسخه پس از هفتمین کلمه پایان می‌پذیرد. واضح است که ادامه نامه استنساخ نشده است.^۱



شکل ۷ - جدول راهنمای دستوری (برگ ۹۳ پ)

- مجموعه ۹ سند با عنوان التقریرات المناصب (کذا)، که یک منشور در ادامه آن آمده است. (برگ ۱۱۶ پ تا ۱۲۱ پ).

- ۳ فتح‌نامه (برگ ۱۲۵ ا تا ۱۲۷ پ).

و در پایان نسخه، چندین قطعه شعر (شامل یک قصیده، غزلی از سعدی، یک رباعی فارسی منسوب به ابن سینا)، دعا و اطلاعاتی درباره گیاهان دارویی آمده است.

گاهی منبع اسناد نیز آورده شده است، مانند نامه‌ای که صلاح الدین با دستخط دبیر معروفش، عماد الدین اصفهانی مؤلف خریده القصر و جریده العصر (درگذشته ۵۹۷ ق)

۱ de Fouchécour، ۱۹۸۶ ص ۷۵. ترجمه ص ۸۶



فرستاده است. در بیش از یک مورد مجموعه کاملی از اسناد به انشاء کاتبی خاص نقل شده است، که بیشترین آن ۲۲ سند است و توسط شخصی به نام بدر الدین نوشته شده است (برگ ۷۲ پ تا ۹۰ پ). منشیانی که نام آنها مشخصاً در نسخه آمده است، عبارت اند از: عماد الدین اصفهانی (برگ ۲۶ پ)، مجد الدین رودراوری (برگ ۳۴ ر)، جلال الدین ورکانی (برگ ۶۱ پ، ۶۶ ر)، بدر الدین (برگ ۷۲ پ)، رشید الدین نوری (برگ ۹۶ پ، برگ ۱۱۴ ر)، بدر الدین یحیی (برگ ۹۹ پ، برگ ۱۰۴ پ)، ظهیر الدین کرجی (برگ ۱۰۳ ر) و شهاب الدین (برگ ۱۰۵ ر).^۲ بعضی از این کاتبان را می توان در منابع دیگر شناخت.^۳ این روش (یعنی نقل قول یک یا مجموعه ای از متون با عبارت «من انشاء...») یادآور دیگر نسخه های منشآت مانند المختارات من الرسائل نوشته شده در سده هفتم هجری در غرب ایران است. اما متونی که برای آنها منبعی ذکر شده است تنها بخشی کوچک از کل، یعنی ۳۹ متن از ۲۴۱ متن یا به عبارت دیگر ۱۶ درصد آن است.

نکته جالب آن است که یکی از متون، نه از یک نسخه بلکه از سنگ نوشته در ورودی کاروانسرا نقل شده است.^۴

در نهایت، درمی یابیم که ۹ نامه سلطانیات که در برگ های ۹۴ تا ۹۹ پ آورده شده، مجدداً در برگ های ۱۱۰ پ تا ۱۱۶ ر تکرار شده است.

ارتباط نسخه با سلطان علاء الدین کیقباد دوم

پدیدآورنده نسخه، مطابق معمول منشآت، نه اطلاعاتی درباره تاریخ و مکان متون انتخاب

۱ دانش پژوه و افشار (نسخه های خطی، ۳۴۲) این نسبت را «گورکانی» خوانده اند که کاملاً نادرست است، زیرا این نسبت دو بار به طور واضح نوشته شده است. «ورکان» روستایی بین کاشان و اصفهان است و جای تعجب نیست که یک ورکانی با یک همکار اصفهانی، وزیر شمس الدین اصفهانی مکاتبه کند.

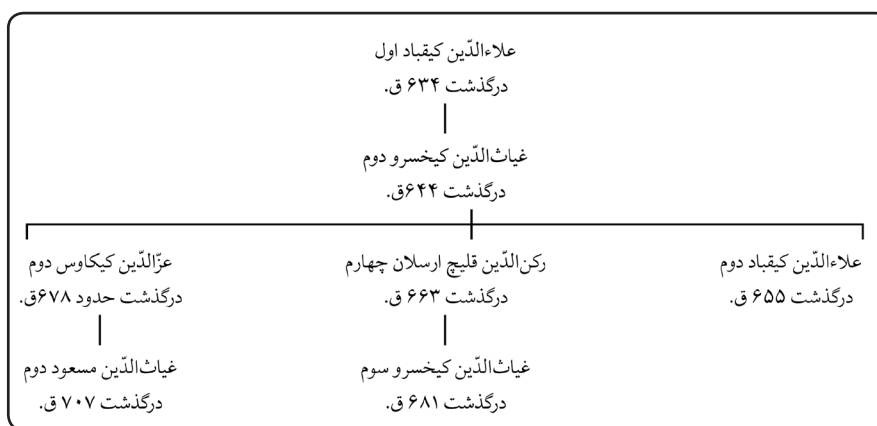
۲ من تنها به صفحه ای که نام «کاتب» در آن ذکر شده ارجاع داده ام نه همه اسنادی که با عبارت معمول «وله ایضاً» به آن کاتب نسبت داده شده است.

۳ برای مثال دانش پژوه در «دبیری و نویسندگی»، ص. ۵۲ (شماره ۲۱) از بدر الدین یحیی بدخشانی رومی نام برده است.

۴ درباره این کتیبه منسوب به همسر کرجی غیاث الدین کیخسرو دوم مقاله ای نوشته ام که در سال ۲۰۲۱ در مجله،

al-Usur al-Wusta, The Journal of Middle East Medievalists، منتشر خواهد شد.

شده، نه نام نویسندگان به دست نمی‌دهد، اما خوشبختانه عنوان‌های فرعی به شناخت نویسندگان متون کمک می‌کند. از سوی دیگر درصد نام‌هایی که داخل متون با «فلان» جایگزین شده، در این نسخه بسیار کم است.^۱ بنابراین، یک مورخ می‌تواند خیلی وقت‌ها شخصیت‌های اصلی و در نتیجه تاریخ سند را تشخیص دهد. بیشتر این اسناد، ظاهراً مربوط به علاء الدین کیقباد دوم (درگذشته ۶۵۵ ق) از سلاطین سلاجقه روم است. وی پسر سلطان غیاث الدین کیخسرو دوم (درگذشته ۶۴۴ ق)، سلطان بداقبالی است که سپاهش در ۶۴۱ ق در نبرد کوسه داغ توسط مغول‌ها شکست سنگین خورد.^۲ سه سال بعد وقتی سلطان غیاث الدین درگذشت، سلطنت سلاجقه ضربه بسیار بدی خورد. اینکه سلطان سه فرزند پسر خردسال (هفت، نه و یازده ساله) از خود به جای گذاشت، تنها موقعیت را آشفته‌تر کرد. (شکل ۸) علاء الدین جوان‌ترین فرزند بود، اما پدرش او را به عنوان ولی عهد انتخاب کرده بود. طبیعتاً دو برادر دیگرش، عزّ الدین و رکن الدین نیز مدّعی بودند. در هر صورت، حکومت در دست درباریان قدرتمند مانند شمس الدین اصفهانی (درگذشته ۶۴۶ ق)، سپس قراطایی (درگذشته ۶۵۱ ق)، افتاد. نام همه آنها در این نسخه ذکر شده است.



شکل ۸ - خانواده سلجوق در قرن هفتم قمری

۱ این موضوع هم در تاریخ‌ها به ندرت دیده می‌شود. دست‌کم یکی از آنها با «کذا» جایگزین شده است (برگ ۲۷ پ).
 ۲ نک: کاهن (Cahen 1988) ص. ۲۲۸. برای وقایع بعد از ۶۴۱ ق. همچنین نک: Melville 2009.



نهایتاً، علاء الدّین در ۶۵۵ ق در مسیر مأموریتش برای مقابله با منگوقاآن، خان بزرگ، درگذشت. سلطنت سلجوقیان برای مدت کوتاهی به طور هم زمان به دو برادرش رسید، تا زمانی که آن دو نیز دیگر نتوانستند با هم حکومت کنند. یکی فرار کرد و دیگری بعدها توسط معین الدّین پروانه (درگذشته ۶۷۶ ق) به قتل رسید. پروانه، پسرش کیخسرو سوم را بر تخت سلطنت قونیه نشاندد.

ظاهراً کاتب بخش الف نسخه ما در دربار علاء الدّین کیقباد دوم کار می کرده است.^۱ این فرضیه را با توجه به نکات ذیل پیشنهاد می کنم:

- بخش مربوط به القاب سلطنتی (برگ ۲۸ تا ۳۱) تنها القاب علاء الدّین و پدرش غیاث الدّین را آورده است.

- پس از بخش القاب، نسخه با مجموعه ای از ۱۲ نامه که علاء الدّین از برادرش دریافت کرده، یا برای او فرستاده ادامه پیدا می کند. اگرچه در این فرصت ما نمی توانیم بگوییم این نامه ها خطاب به کدام برادر است؛ عزّ الدّین یا رکن الدّین.

- بسیاری از نامه های خطاب به علاء الدّین، در بردارنده لقب ولی عهد سلطان السلاطین [یعنی پدرش غیاث الدّین] است که از حقّ او نسبت به سلطنت حمایت می کند.

بخشی که صریحاً به بدر الدّین بستگی دارد («من انشاء بدر الدّین»، برگ ۷۲ پ)، بیشتر اسناد نوشته شده از طرف یا خطاب به علاء الدّین و اطرافیان او است (۶۹ مورد از برگ ۲۸ تا ۷۲ پ).

بنابر این، از یافتن نشانی از مغولان باتو، نوه چنگیز خان، مثل: بایجو نوین که سپاه سلجوقیان را در کوسه داغ شکست داد و برکه، برادر کوچکتر شگفت زده نمی شویم. می دانیم که تا زمان ورود هلاکو به ایران، سلاجقه روم باید با خاندان جوجی (یعنی برادران باتو و برکه) کنار می آمدند.

۱ نام علاء الدّین دیگری از سلاجقه روم، هم زمان با سلطنت غازان خان، در تواریخ دیده می شود. از این رو به تاریخی که در انجامة نسخه ذکر شده بسیار نزدیک تر است، اما شکی نیست که او غیر از علاء الدّین کیقباد دوم یاد شده در نسخه ما است. درباره آن علاء الدّین دیگر نک:

Melville 2009: 85-6 (بر اساس روایت آفرایی و قاضی احمد نکیدوی).



فرضیه در باره پیدایش نسخه

شاید وسوسه‌کننده باشد که پادشاه ناشناخته بعد از خلیفه المستنصر، مذکور در آغاز نسخه، را علاء الدین کیقباد دوم بدانیم. هرچند این ظاهراً مشکل دارد: المستنصر چهار سال پیش از اینکه علاء الدین جانشین پدرش بشود از دنیا رفت. پس دو راه حل وجود دارد: یا در نظر بگیریم که خلیفه المستنصر قبلاً مرده (بنابر عدم وجود عبارت معمول «ادام الله...») پس از نامش، یا چند مرحله در پیدایش نسخه را فرض کنیم. طبق این فرضیه، یک کاتب می‌توانسته پیش از ۶۴۰ ق در دوره سلطنت غیاث الدین پدر علاء الدین، شروع به نوشتن کتابچه انشاء کرده و سپس آن را کنار گذاشته باشد. درک این موضوع با توجه به ضربه شکست کوسه داغ در سال ۶۴۱ ق و خطر فروپاشی حکومت سلجوقی که او در سال‌های پیش به واسطه شورش بابا اسحاق تجربه کرده بود، بسیار ساده است.^۱ پس از مرگ غیاث الدین کیخسرو دوم، وقتی به نظر می‌رسید که خطر فروپاشی حکومت سلجوقی از بین رفته، این کاتب در خدمت علاء الدین کارش را ادامه داد.

اگر این فرضیه را بپذیریم، بخش با القاب علاء الدین (برگ ۲۸ تا ۳۱ ر) مربوط به آغاز مرحله دوم انشاء بخش الف است. مزیت این پیشنهاد این است که می‌توان نقصان طرحی روشن را در بعد از برگ ۲۸، توجیه کرد. تحت سلطنت غیاث الدین و در اوج قدرت سلجوقیان روم، کاتب ما (کاتب الف) برنامه‌ای از پیش تعیین شده را دنبال می‌کرد. شاید او بر آن بود که از اثری مبتکرانه مانند دستور دبیری میهنی تقلید کند. اما در شرایط جدید، وقتی یرلیغ‌های مغولی جایگزین قدرت سلاطین سلجوقی شدند، کاتب به خاطر شرایط موجود سرخورده شده و فقط نامه‌هایی که در دسترسش بود را، کپی برداری کرده است. در آینده این فرضیه باید به وسیله یک تحلیل دقیق نام‌شناسانه در اسناد نقل شده پیش و پس از برگ ۲۸ سنجیده شود. اما نتایج اولیه دلگرم‌کننده است، چون کسانی که در اسناد پیش از برگ ۲۸ شناسایی شده‌اند،

۱ پس از جنگ کوسه داغ، وزیر سلجوقی، مهذب الدین، به دیدن بایجو رفت. بایجو او را به پایگاه مغولان در شمال ایران برد؛ اما مهذب الدین که مریض بود در آن میان از دنیا رفت و نایش شمس الدین اصفهانی باید جایگزین او می‌شد. کردها و ترکمن‌ها از اطاعت سرپیچی می‌کردند، و مسیحیان ارمنی در شرق آناتولی روابطشان را با دولت نامسلمان مغول‌ها تقویت می‌کردند.

همه در دوران سلطنت غیاث الدین زنده بوده‌اند (مثل ظهیر الدین ترجمان، شمس الدین اصفهانی و امیر مبارز الدین چاولی).

این کاتب (کاتب الف)، به دلیل ناشناخته‌ای کارش را به پایان نرسانده و آن را در میانه اندرزنامه کنار گذاشته است. بعد از آن چه پیش آمد؟ یک یا چند کاتب دیگر از جمله عمر بن محمد، مذکور در انجامه برگ ۱۱۶، این کار را با رونویسی نامه‌هایی از منابع گوناگون انشاء ادامه داده است. عمر بن محمد، این ترسّل را در آقسرائی در ۷۱۶ ق به پایان رسانید. این همان دستخطی است که در تاریخی نامشخص، شروع به رونویسی مجموعه‌ای از احکام کرد، که با انواع دیگری از اسناد (فتح‌نامه، شعر، دعا و...) ادامه یافت. بخش پایانی نسخه بیشتر شبیه «مجموعه» یا جنگ است تا «منشآت»، و شاید به شرایط آناتولی در سده هشتم هجری ربط داشته باشد: در واقع در این دوره، داشتن دبیرخانه‌ای منظم مانند ۷۰ سال پیش دولت سلجوقی، چون رویایی از گذشته بود.

وجود موارد یکسان از دست‌خط‌های متفاوت در نسخه (چنان‌که اشاره شد) شاید نشان دهنده این باشد که نسخه از حداقل دو دسته (بند) کاغذ تشکیل شده است.^۱ اما فعلا نمی‌توانم علت این استتساخ‌های چندگانه را توضیح بدهم. تنها با مطالعه خود نسخه که در قم نگهداری می‌شود و تحلیل دقیق محتوای اثر، شاید پاسخ این سؤالاتمان را دریابیم.

اهمیت نسخه شماره ۱۱۱۳۶ کتابخانه آیت الله مرعشی

ابهامات یادشده درباره نسخه شماره ۱۱۱۳۶ از اهمیت آن نمی‌کاهد. تاکنون، بیشتر دانش ما درباره علم کتابت در آناتولی قبل از بیلیکالر، بر اساس مطالعه اولیه عثمان توران منتشر شده در سال ۱۹۵۸م است.^۲ به لطف این نسخه، چند و چون دانش ما نسبت به این موضوع می‌تواند متحوّل شود.

۱ طبق فرهنگ اصطلاحات مرکز مطالعات نسخ خطی هامبورگ، به این نسخه‌های خطی «composite manu-script» می‌گویند.

2 *Türkiye Selçuklar hakkında resmi vesikalar.*

درباره علم کتابت، مدخل «diplomatic» نوشته محققان برجسته آلمانی زبان در چاپ دوم دانشنامه اسلام تاکنون مهم‌ترین مرجع است (مدخل مربوط به ایران‌زمین و ترکیه قبل از عثمانی هنوز در چاپ سوم آن دانشنامه منتشر نشده‌اند. در زبان فارسی اکنون می‌توانیم به پژوهش ارزشمند عمادالدین شیخ حکمائی و محیا شعبی عمرانی





این نسخه نشان می‌دهد که کاتبان در آناتولی تا چه اندازه از نمونه‌های ایرانی (سلطانیات، اخوانیات و محاضر) تقلید می‌کردند. به جز کتیبه مذکور همه اسناد به زبان فارسی هستند، حتی نامه صلاح الدین ایوبی به ملک گرجستان. البته فارسی آن به شدت تحت تأثیر نثر عربی است، که دست کم از نیمه سده ششم هجری در ایران رایج بوده است. این زمانی است که قانون درست‌نویسی توسط امثال عماد الدین اصفهانی و رشید الدین وطواط تعریف شده بود و هر کاتبی در آناتولی باید از آنها تبعیت می‌کرد. دقیقاً به همین دلیل است که یک دهه پیش از جنگ کوسه داغ، پدر ابن بی‌بی، یک کاتب خراسانی که نخست در دبیرخانه خوارزمشاهیان کار کرده بود، در دبیرخانه سلجوقیان روم به کار گماشته شد.^۱

گسترش سبک‌های نوشتاری ایرانی در دولت سلاجقه روم، معروف بود و این نسخه تنها تأیید کننده آن است. اما اهمیت این نسخه بیش از هر چیز در محتوای تاریخی آن است. همچنین به خاطر تعداد اسناد و کیفیت آنها، این نسخه می‌تواند به یکی از منابع مهم درباره تاریخ سلطنت روم تبدیل شود؛ به ویژه برای گسترده شدن دانش ما که تا کنون بیشتر آن صرفاً بر اساس روایات ابن بی‌بی و افسرای بدست آمده است. با بیش از ۲۰۰ سند (سه برابر تعداد اسناد اساس در مطالعات عثمان توران)، نسخه شماره ۱۱۱۳۶ در کنار مختارات من الرسائل، منابعی با بیشترین اسناد انشاء هستند که حکومت‌های سلجوقی و اعقاب آنها تولید کردند. همچنین، از آنجا که متون از نامه‌های معتبر گرفته شده و مخفی نشده‌اند، بسیاری از اسامی را برای نخستین بار در این اینجا می‌بینیم. بنابراین، این نسخه برای روشن کردن وضعیت پیچیده آناتولی در آغاز استیلای مغول بسیار مهم است.^۲

ما تنها می‌توانیم امیدوار باشیم که این متن خیلی زود در دسترس پژوهشگران قرار گیرد، چون نقش مهمی در تعمیق دانش ما درباره این بخش از دنیای فارسی زبان در آن روزگار آشفته دارد.

مراجعه کنیم.)

- ۱ البته بعد از اینکه همسرش بی‌بی منجمه دعوت شد تا به دربار سلجوقیان روم بپیوندد. نک: ابن بی‌بی، ۳۹۶.
- ۲ لمبتون و پول به خوبی نشان دادند منشآت که پژوهشگران آنها را کمتر مورد توجه قرار می‌دادند، چه قدر می‌تواند منبع مهم و پر ثمری برای مطالعات تاریخی باشد. نگارنده این سطور هم کوشش کرده برای تحلیل تاریخ اصفهان قبل از دوره مغول از آنها الهام بگیرد. نک:

Durand-Guédy 2010.1995; Pail 1957 Lambton.

منابع فارسی عربی

- آقسرائی، محمود بن محمد، تاریخ سلاجقه یا مسامرة الاخبار، تصحیح عثمان توران. تجدید چاپ، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲ش.
- ابن بی‌بی، الأوامر العلائیه، تصحیح ژاله متحدین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰ش.
- ایرج افشار، «سه نقطه‌ها»، نامه بهارستان، سال دوم ۱۳۸۰ش، شماره ۴، صص. ۳۵-۴۰.
- بغدادی، بهاء الدین، التوسل إلى التوسل، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: شرکت سهامی چاپ، ۱۳۱۵ش؛ تجدید چاپ تهران: اساطیر، ۱۳۸۵ش.
- جوینی، منتجب الدین بدیع اتابک، عتبه الکتبه: مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران: شرکت سهامی چاپ، ۱۳۲۹ش؛ تجدید چاپ تهران: اساطیر، ۱۳۸۴ش.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و ایرج افشار، نسخه‌های خطی، تهران: دانشگاه تهران، ج ۴، ۱۳۴۴ش.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، «دبیری و نویسندگی ۸»، هنر و مردم، ۱۳۵۰ش، ۱۱۱: ۴۸-۵۶.
- نخجوانی، حسین، «پندنامه ارسطاطاليس به اسکندر»، یغما، ۱۳۳۱ش. شماره ۴۶: ص ۳۱-۳۴.
- نخجوانی، حسین، «تهنیت‌نامه بیت المقدس از خوارزم‌شاه بی ملک صلاح الدین»، مهر، ۱۰ (اسفند ۱۳۱۵ش).
- نخجوانی، حسین، چهل مقاله، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: آیدین، ۱۳۹۲ش.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه (شمس منشی)، دستور الکاتب فی تعیین المراتب، تصحیح احمدی دارانی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۵.
- میهنی، محمد ابن عبدالخالق، دستور دبیری، چاپ سید علی رضوی بهابادی، ۱۳۷۵ش.

منابع دیگر

Björkman, W., Colin, G.S., Busse, H., Reychmann, J. and Zajaczkowski, A., "Diplomatic", in: Encyclopaedia of Islam, Second Edition, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs. Consulted online on 05 December 2020 «http://dx.doi.org/10.1163-1573/3912_islam_COM_0169»

Cahen, Claude, La Turquie pré-ottomane, İstanbul : Institut Français d'Etudes Anatoliennes, 1988.

de Fouchécour, Charles-Henri, Moralia. Les notions de morales dans la littérature persane du 3e/9e au 7e/13e siècle, Paris: Editions Recherche sur les Civilisations, 1986.

Horst, Heribert, Die Staatsverwaltung der Grosselgüquen und Hōrazmšāhs (1038 - 1231) Eine Untersuchung nach Urkundenformularen d. Zeit, Wiesbaden : Steiner, 1964.

Lambton, A.K.S., 'The Administration of Sanjar's Empire as illustrated in the 'Atabat al-kataba', BSOAS, 20 (1957), p. 367 - 88.

Marsden, William, Numismata Orientalia Illustrata: the oriental coins, ancient and modern, of his collection, described and historically illustrated, 2 vols, London, Printed for the author, 1823 - 25.

Melville, Charles, 'Anatolia under the Mongols', in K. Fleet (ed.) The Cambridge History of Turkey, Cambridge : Cambridge Univ. Press, 2009, p. 51 - 101.

Paul, Jürgen, 'Inshā' Collections as a Source on Iranian History', in B. Fragner & alii (ed.), Proceedings of the Second European Conference of Iranian Studies (Bamberg, 1991), Rome, IsMEO, 1995, p. 535 - 40.

Paul, Jürgen 'Enshā', in Enc. Iranica, vol. VIII (1998), p. 455 - 7.

Turan, Osman, Türkiye Selçukları hakkında resmi vesikalar (Metin, Tercüme ve Araştırmalar), Ankara: Türk Tarih Kurumu Basımevi, 1958.

Turan, Osman, Selçuklular Zamanında Türkiye. Siyasi Tarih Alp Arslan'dan Osman Gazi'ye (1071 - 1328), İstanbul, 1971.

مجله پژوهش
میراث

فصلنامه تخصصی کتابخانه‌شناسی و نسخه‌شناسی
شماره ۱۰۰ | تابستان ۱۳۹۹
سال بیست و نهم

